یادداشت

سیاست پایان باز؛ آمریکایی یا ایرانی؟

ادامه از صفحه اول

این تقسیم‌بندی از آن رو ارزشمند است که مسئله را از دوگانه ساده «جنگ‌طلبی یا صلح‌طلبی» خارج می‌کند و یک صورت‌بندی و مرزبندی تحلیلی پدید می‌آورد که می‌تواند تفاهم و اعتماد میان نیروهای سیاسی را برقرار کند. یعنی اگر گزینه «پایان جنگ به هر قیمتی» را کنار بگذارید (چون هیچ مرز روشنی ندارد و برای امنیت ملی خطرناک است)، آنگاه است که فضای سالم‌تری برای اتحاد و گفت‌وگوی ملی فراهم و اجماع در تصمیم‌گیری در سطح سیاسی امکان‌پذیر می‌شود. در چنین زمینه‌ای است که نیروهای سیاسی می‌توانند به این مسئله بپردازند که آیا می‌توان توافقی طراحی کرد که در آن اهداف نهایی، تعهدات متقابل، توالی اجرا، راستی‌آزمایی و پیامد نقض تعهدات به اندازه کافی روشن باشد تا اتحاد ملی پیرامون آن شکل بگیرد؟ این همان چیزی است که سبب می‌شود «سیاست پایانِ باز آمریکایی» به «سیاست پایانِ باز ایرانی» تبدیل و تعبیر نشود و این مهم‌ترین پیام این نوشتار است. منظور از «سیاست پایان باز» صرفا یک تعبیر بلاغی نیست، بلکه یک مفهوم تحلیلی است که دست‌کم پنج ویژگی مشخص دارد: ابهام در هدف نهایی، تغییرپذیری مطالبات، نبود معیار روشن برای خاتمه جنگ، ضعف سازوکار تضمین و حفظ امکان ازسرگیری فشار نظامی. ترامپ اخیرا گفته است یا ایرانی‌ها همه چیز را به ما می‌دهند یا وجود نخواهند داشت. این فقط یک شعار انتخاباتی نیست، بلکه یک «سیاست پایان باز جنگی» است.

۳- یک پرسش مهم این است که آیا می‌توان با دادن امتیازاتی به طرف آمریکایی، جنگ را پایان داد؟ اگر آری، چه امتیازاتی و «حدّ یقف» آن کجاست؟ آیا آمریکا اساسا حدودی برای آن تعیین می‌کند یا همچنان آن را در عبارت «یا همه چیز یا نابودی» نگه می‌دارد؟ کسانی که در پی دادن امتیازاتی برای پایان جنگ هستند، باید صریحا خط قرمز را هم بیان کنند و مهم‌تر از آن به‌روشنی نشان دهند با دادن چنین امتیازاتی، آیا آمریکا آن را اساسا می‌پذیرد؟ نه اینکه حتی تضمینی به پایبندی آن دهد. این مفروض که آمریکا «می‌خواهد» جنگ را با «این جمهوری اسلامی» پایان دهد محل مناقشه جدی است؛ برخی اصلاح‌طلبان (و البته فقط برخی از آنان) به این پرسش مهم بی‌توجه‌اند یا تغافل می‌کنند. ترامپ با مواضع مبهم خود یک «سیاست پایانِ باز» برای بحران در پیش گرفته است. یعنی اگر شرایط اقتضا کرد و دست ایران برتر بود، با توافقی نیم‌بند پایان جنگ را بپذیرد، وگرنه تا هر زمان که بخواهد بحران را کِش دهد. «سیاست پایان باز» یعنی ادامه جنگ تا آخرین لحظه و نه آمادگی برای صلح. به بیان دیگر، این سیاست بیشتر یک سیاست جنگی است تا سیاستی برای صلح. پذیرش تفاهم‌نامه اسلام‌آباد از سوی آمریکا یک سیاست پایان باز بود، چراکه فقط دو شرط آن قطعی بود (آزادی تنگه هرمز و فروش نفت ایران). بقیه مواد تفاهم‌نامه یا تعلیق به «سازوکارها» و «تفاهمات» بعدی بود یا اینکه بدون تعهدی رسمی پای طرف سوم (اسرائیل یا اعراب) در میان بود. اینکه نزاع هسته‌ای ایران در آن تفاهم‌نامه نیز تعلیق به نظارت و مذاکرات بعدی شده نیز از همین رو است؛ نه اینکه آمریکا شرایط ایران را پذیرفته باشد. بازخوانی مواد تفاهم‌نامه اسلام‌آباد از این منظر آشکار می‌کند که این تفاهم‌نامه اساسا یک «سیاست پایان باز بحران» و باز نگه‌داشتن پنجره جنگ بود. اگرچه نفی نمی‌کنم که بایستی به گونه‌ای با آن برخورد می‌شد که اولا، هیچ فرصتی برای پایان جنگ از دست نرود و ثانیا، تقصیر آغاز دوباره جنگ بر دوش ایران نیفتد. در هر صورت باید به این پرداخت که آیا این ایران است که تکلیف را معلوم نمی‌کند یا آمریکا که شرایط خود را روشن بیان نمی‌کند؟ زدن سه کشتی پس از توافق‌نامه اسلام‌آباد این تصور را برای برخی دامن زده است که ایران پایانی برای جنگ پیشنهاد نمی‌دهد. اما آیا در واقع این ناشی از «سیاست پایان باز» آمریکا نیست؟ چون این سیاست را در راستای منافع استراتژیک خود می‌داند.

۴- منظر مهم دیگر این است که آیا مناقشه ایران و آمریکا با سه شرط تعطیلی غنی‌سازی، تحویل اورانیوم غنی‌سازی‌شده و دست‌برداشتن از حمایت از گروه‌های مقاومت منطقه‌ای پایان خواهد یافت؟ در «سیاست پایان باز» باید پرسید گام بعدی چیست؟ نکته اساسی این است که حتی این سه شرط هم نه مسئله انرژی و تفوق بر منابع اصلی انرژی در جهان را برای آمریکا حل و نه سفیدسازی امنیتی منطقه را برای اسرائیل تضمین می‌کند. سیاست آمریکا در ونزوئلا نشان می‌دهد در جهان کنونی مسئله «تسلط» بر منابع انرژی جهانی یک اصل مهم در سیاست‌های آمریکاست.

نتیجه آنکه سناریوی تحلیلی پایان جنگ نیازمند دقت نظری و اتحاد ملی است: طرفداری از مذاکره برای پایان جنگ با حفظ خطوط قرمز و ادامه مقاومت تا دستیابی به شرایط مشخص امنیتی، در یک راستا و در تقابل با سیاست پایان باز آمریکا در جنگ است.

گزارش میدانی «شرق» از تحول در روستایی که مرگ مادران باردار قصه همیشگی‌اش بود

چراغی برای روستای شیخ دلگان

روستای شیخ چراغ دلگان، پایگاه صلح و سازش بلوچستان است و حالا پس از افتتاح مرکز درمانی این روستا، زندگی ساکنانش آرامش بیشتری یافته است

محمد باقرزاده: «برای عایشه عجیب است که کسی بتواند بیشتر از نیم‌ساعت بیکار بنشیند... برایم تعریف می‌کند چطور مجبور شده دست دو بچه‌اش را بگیرد و در گرمای تابستان، پیاده ۲۰ کیلومتر راه برود تا خودش را برای وضع حمل به مامایی شهر گاوبندی برساند. شوهر معتادش سالی یک بار پیدایش می‌شده و او حامله می‌شده و مجبور بوده بچه‌هایش را در یکی از فقیرترین مناطق هرمزگان به نیش بکشد...»؛ از کتاب «و کسی نمی‌داند در کدام زمین می‌میرد»، نشر اطراف و به قلم مهزاد الیاسی‌بختیاری. به روستای «شیخ چراغ دلگان» از شهرستان دشتیاری که می‌رسم، «قصه عایشه» را رها می‌کنم و کتاب را می‌بندم تا پیش از افتتاح رسمی مرکز درمانی این منطقه، پای صحبت ساکنان روستا بنشینم. مردی با ریش و لباس یکدست سفید، به چند نوجوان مشغول بازی، چیزی به زبان بلوچی می‌گوید که تنها کلمه «بهاره»اش را متوجه می‌شوم. نوجوان جلوتر از من راه می‌افتد و با دست اشاره می‌کند همراهش شوم... .

زایش، شیرین است و اصلا دلیل نام‌گذاری «نوروز» هم از تولدهای طبیعت در فصل «بهار» می‌آید؛ برای دختربچه‌ای با لباس سوزن‌دوزی پر از نقش و رنگ بلوچی در منطقه دلگان اما نام و فصل «بهار» چندان شیرین هم نیست. متولد فروردین ۱۴۰۰ است و اگرچه سن‌اش برای درک بالا و پایین روزگار، بسیار پایین است اما قصه مرگ مادر در روز تولدش را شنیده و بزرگ‌شدن بدون آغوش مادر را هم چشیده است. مادربزرگش می‌گوید: «دخترم، سالم سالم بود اما سر شب کمی بدحال شد. اولین بارداری‌اش که نبود، بار سوم بود و قبلا هیچ مشکلی نداشت. تازه پا به ۹ماهگی گذاشته بود و برای درد زایمان زود بود. از بخت و اقبال من و این بچه، مامای روستا برای دوا و درمان به زاهدان رفته بود... . دخترم را با بدبختی به چابهار بردند اما به بیمارستان که رسید، دیگر جانی نداشت. خودش رفت اما این طفل زنده ماند... . اسمش را بهاره گذاشتند اما چه بهاری؟». مادر بهاره تنها قربانی کمبود امکانات درمانی در استان کم‌برخوردار سیستان‌وبلوچستان نیست و با هرکسی در این مناطق که صحبت می‌کنید، از فردی در فامیل و آشنا می‌گوید چنین مرگی را تجربه کرده و همین هم آمار بالای «مرگ مادری» در این استان را نشان می‌دهد؛ روایت‌هایی که با آمارهای رسمی هم سازگاری دارد و شاخص تعریف‌شده برای این شکل از مرگ‌ها، در استان سیستان‌وبلوچستان بیش از چهار برابر میانگین کشوری است. در همین حوالی دلگان، تا پیش از اتفاق امروز، برای بیش از ۱۳ پارچه روستا با جمعیتی بالغ بر ۹ هزار نفر، حتی یک مرکز درمان و درمانگاه ساده هم وجود نداشت و همین، زندگی را برای ساکنان این روستاها با مشکلات فراوانی روبه‌رو کرده بود؛ مصائبی که با وصیت هنرمندی تاجر و یک مؤسسه خیریه حالا برطرف شده است.

صد هزار جمعیتی که حتی یک تخت بیمارستان ندارند

«... عایشه موقع تعریف ماجرای پیاده‌رفتنش به مامایی شهر، گریه می‌کند. بچه‌به‌شکم ساعت‌ها راه رفته تا توانسته خودش و بچه‌هایش را از چنگ مرگ بکشد بیرون... تا اینجا ماجراهای زندگی‌اش را جوری تعریف کرده که انگار از روی کاغذ می‌خواندشان اما حالا پقی می‌زند زیر گریه. رنجی که کشیده را هیچ کلمه‌ای نمی‌تواند توصیف کند...».

شهریور ۱۴۰۵ است و جنگ آمریکا علیه ایران حالا بیشتر در مناطق جنوبی و خط ساحلی در جریان است. فرودگاه چابهار به‌شدت آسیب دیده و از پایتخت ایران به این بندر مهم، هفته‌ای یک پرواز بیشتر وجود ندارد. تنها گزینه باقی‌مانده، پرواز به زاهدان و بعد سفر جاده‌ای حدود ۹ساعته برای رسیدن به چابهار است... . در تمام مسیر، صحنه کارناوالی از ماشین‌های پارک‌شده و در صف بنزین، مدام تکرار می‌شود. در شرجی و گرمای خرماپزان بلوچستان، مدام و به‌نوبت، برق هم قطع می‌شود و همین صف انتظار بنزین را طولانی‌تر می‌کند. کتاب را می‌بندم تا صحنه تماشای بندری جنگ‌زده را از دست ندهم؛ در آغاز، آنچه چشم‌ها را به خود خیره می‌کند، نماد این بندر مهم یعنی برج مراقبت دریایی چابهار به ارتفاع ۶۶ متر است؛ البته جای خالی‌اش. کمتر از دو ماه پیش، سنتکام ویدئویی از حمله به این برج مراقبت و تخریب کامل آن منتشر می‌کند و حالا جای خالی این نماد، برجسته‌ترین تصویر است. حدود ۸۰ کیلومتر آن‌طرف‌تر از چابهار، منطقه دشتیاری و روستای شیخ چراغ دلگان است. نه‌تنها ساکنان همین روستا، که مردم هشت، ۹ روستای اطراف هم چشم‌انتظار مراسم امروز هستند. «عبدالباسط بیرانجو»، مدیر مشارکت‌های مردمی دانشگاه علوم پزشکی چابهار، در این سال‌ها تلاش زیادی برای جذب افراد نیکوکار و جلب توجه آنها به موضوع سلامت داشته است. حالا خوشحال است تلاش‌ها به نتیجه رسیده و ساکنان این منطقه، مرکز درمانی خود را دارند: «شاید ندانید اما در شهرستان دشتیاری با بیش از صد هزار نفر جمعیت، ما حتی یک تخت بیمارستانی نداریم. براساس استاندارد کشوری، دشتیاری با این جمعیت باید ۲۱۰ تخت بیمارستانی می‌داشت ولی الان حتی یک تخت هم ندارد. همین الان یک مادر باردار به خاطر نبود سونوگرافی مجبور است بیش از ۱۵۰ کیلومتر برود و برگردد. کمبود سرانه درمان در این منطقه واقعا محسوس است و زندگی مردم را با مشکلات فراوانی روبه‌رو کرده است...». بیزنجو به مشکلات متعدد ساکنان این منطقه اشاره می‌کند؛ از نبود سونوگرافی که مادران باردار را مجبور به طی‌کردن مسافت‌های طولانی می‌کند تا کمبود فضای درمانی و سرانه بهداشتی. او تأکید می‌کند نبود یک مرکز درمانی ساده، زندگی را برای ساکنان این ۱۳ روستا با دشواری‌های فراوانی روبه‌رو کرده بود؛ از تشخیص دیرهنگام بیماری‌ها گرفته تا خطرات جانی برای مادران باردار. حالا با افتتاح این مرکز، امید تازه‌ای در دل ساکنان روشن شده است.

مرگ مادری؛ شاخصی که فاصله‌ها را نشان می‌دهد

«مرگ مادری» به مرگ یک زن در دوران بارداری یا تا ۴۲ روز پس از پایان آن (به‌جز علل تصادفی) گفته می‌شود. شاخص «نسبت مرگ مادری» تعداد این مرگ‌ها را به ازای هر ۱۰۰ هزار تولد زنده می‌سنجد. در سطح جهانی، این نسبت در سال ۲۰۲۳ حدود ۱۹۷ مورد در هر ۱۰۰ هزار تولد زنده بوده است. ایران اما در این شاخص، عملکردی بسیار متفاوت دارد؛ آمار رسمی و بین‌المللی، نرخ مرگ مادری در کشور را برای سال ۲۰۲۳ حدود ۱۶ تا ۲۳ مورد در هر صد هزار تولد زنده گزارش کرده‌اند. در مقابل، کشورهای توسعه‌یافته به اعداد بسیار پایین‌تری دست یافته‌اند. بر اساس گزارش سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)، میانگین این شاخص در کشورهای عضو این سازمان در سال ۲۰۲۳ فقط ۱۰.۳ مورد در هر ۱۰۰ هزار تولد زنده بوده است. وضعیت در سیستان‌وبلوچستان و حتی در مقایسه با میانگین کشوری، چندان مطلوب نیست و فاصله معناداری دارد. منطقه شیخ چراغ دلگان در شهرستان دشتیاری با جمعیت حدود ۴۹۱ نفر (۱۱۵ خانوار)، از جمله مناطقی است که دسترسی به خدمات بهداشتی-درمانی در آن با چالش جدی فاصله از مراکز شهرستان مواجه بوده است. جمع‌بندی آمارها نشان می‌دهد در حالی که جهان به هدف کاهش شاخص مرگ مادری (MMR) به زیر ۷۰ نزدیک می‌شود و کشورهای توسعه‌یافته نرخ‌های تک‌رقمی را تجربه می‌کنند، استان سیستان‌وبلوچستان همچنان با چالش‌های ساختاری در دسترسی به مراقبت‌های باکیفیت مادری مواجه است. همین آمارها ضرورت ایجاد تغییر در شرایط درمانی این مناطق را دوچندان می‌کند؛ تغییری که امروز در روستای شیخ چراغ دلگان کلید خورده است.

وقتی روزنه‌ای نور، سراغ ساکنان «شیخ چراغ دلگان» می‌آید

«تا همین ۱۰، ۱۵ سال قبل، عایشه و بچه‌هایش همیشه گرسنه و تشنه بودند تا اینکه خیّری در روستا، مسجد ساخت و همین اتفاق، زندگی‌شان را عوض کرد. کارگران برای ساخت مسجد به روستا آمدند و اولین هم‌زیستی طولانی مردم روستا با غریبه‌ها شروع شد. عایشه شب‌ها کَره بزها را می‌زد و صبح به کارگران مسجد می‌فروخت. مدتی که گذشت، از او پرسیدند که می‌تواند برایشان غذا هم درست کند. او هم از خداخواسته، تا پایان ساخت‌وساز مسجد، برای کارگرها آشپزی کرد و با درآمدش یک گاو خرید...».

امروز اما نوبت به افتتاح مرکز درمانی رسیده است؛ مرکزی که قرار است سال‌ها انتظار را برای ساکنان این ۱۳ روستا پایان دهد. در کنار این مرکز، دو پانسیون مستقل نیز با تمام امکانات و وسایل موردنیاز برای زندگی پزشک و مامای روستا ساخته شده است؛ پانسیون‌هایی که امروز هم‌زمان با مرکز درمانی افتتاح می‌شوند تا پزشک و ماما بتوانند در همین منطقه اسکان یابند و به‌صورت شبانه‌روزی در دسترس باشند. این پانسیون‌ها از سوی مؤسسه خیریه نیکان ماموت و با همراهی حامیانش، ساخته و تجهیز شده‌اند. «نازک فردوس»، مدیرعامل مؤسسه خیریه نیکان ماموت، درباره این اقدام می‌گوید: «برای ما مهم بود کمکی برای رفع محرومیت ساکنان این روستاها داشته باشیم و درنهایت با همراهی حامیانمان، مسئولیت این دو پانسیون را برعهده گرفتیم و آنها را با تمام امکانات تحویل دادیم، به این امید که دیگر شاهد مرگ مادران باردار نباشیم و کلیت زندگی ساکنان این مناطق متحول شود». او با اشاره به اهداف مؤسسه نیکان ماموت می‌افزاید: «نیکان تلاش می‌کند با شناسایی نیازهای واقعی جوامع محلی و ایجاد زیرساخت‌های پایدار، مسیر توسعه را هموار کند. ما باور داریم هر اقدام کوچک، می‌تواند سرآغاز تغییرات بزرگ در زندگی مردم باشد». این مرکز جامع سلامت با پوشش جمعیتی بیش از هشت هزار نفر، دسترسی ساکنان منطقه به خدمات بهداشتی و درمانی را تسهیل خواهد کرد. خدماتی از قبیل ارائه خدمات پایه بهداشتی، مراقبت مادر و کودک، واکسیناسیون، آموزش سلامت و خدمات پیشگیری، همچنین دسترسی به مراقبت‌های اورژانسی اولیه، آموزش‌های بهداشت خانواده و ارتقای بهداشت محیط روستا، از جمله اهدافی است که برای این مرکز تعریف شده است. علاوه بر این و با توجه به فاصله قابل توجه منطقه دشتیاری با شهرستان چابهار و دشواری تردد برای دریافت خدمات درمانی، راه‌اندازی این مرکز با هدف نزدیک‌ترکردن خدمات سلامت به مردم منطقه و کاهش رفت‌وآمدهای طولانی انجام شده است. این مرکز می‌تواند بخش قابل توجهی از نیازهای سلامت ساکنان منطقه را در محل پاسخ دهد و از تحمیل هزینه و زمان ناشی از سفرهای درمانی غیرضروری جلوگیری کند.

وقتی رفع نیازهای ضروری، زمینه‌ساز خودکفایی می‌شود

«... [عایشه] بعد از یک سال، گاو را به قایق تبدیل کرد و با قایق زد به دریا. علاوه بر این، گاهی ماهی‌های بقیه را می‌گرفت و می‌برد بندر مقام می‌فروخت. کم‌کم خرید و فروش ماهی را یاد گرفت و پای خریداران ماهی به روستا باز شد. حالا عایشه دو سه خانه دارد و ماشین و دم و دستگاهی. هنوز هم برنامه روزانه‌اش همان است؛ از پنج صبح تا هشت، بکوب کار می‌کند... البته برخلاف سال‌های گذشته، حالا بیشتر دل‌مشغول توسعه است، نه بقا...». افتتاح مرکز درمانی روستای شیخ چراغ دلگان اگرچه در بازیابی سلامت ساکنان این مناطق نقش برجسته و مهمی دارد و منجر به کاهش آمار مرگ و به‌ویژه کاهش مرگ مادران باردار خواهد شد، اما آثار آن، فراتر از موضوع سلامت خواهد بود؛ در منطقه‌ای که سال‌ها ساکنانش برای ساده‌ترین خدمات درمانی باید راه‌های طولانی و پرخطر را طی می‌کردند، وجود یک مرکز جامع سلامت می‌تواند سرآغاز تحولی عمیق‌تر باشد. وقتی مادری دیگر نگران نبود ماما و پزشک در لحظات حساس زایمان نباشد، وقتی بیماری مزمنی در همان روستا تشخیص داده شود و نیاز به سفرهای پرهزینه نباشد، سنگینی باری که سال‌ها روی دوش خانواده‌های کم‌برخوردار بود، سبک‌تر می‌شود.

این تغییر، فراتر از سلامت جسمی، کیفیت زندگی را در ابعاد مختلف بهبود می‌بخشد. خانواده‌هایی که پیش‌تر بخش بزرگی از درآمد اندک‌شان صرف رفت‌وآمد و هزینه‌های درمانی می‌شد، حالا می‌توانند همان منابع را در مسیر آموزش، کسب‌وکار و بهبود معیشت خود به کار بگیرند. دسترسی به خدمات پایه درمانی می‌تواند زنجیره‌ای از تحولات مثبت را در این منطقه رقم بزند؛ از کاهش غیبت کودکان در مدرسه به دلیل بیماری‌های قابل پیشگیری، تا توانمندسازی زنان برای حضور فعال‌تر در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی. همچنان که مسئولان محلی در مراسم افتتاحیه تأکید می‌کنند، این مرکز فقط یک ساختمان نیست؛ دروازه‌ای است به‌سوی آینده‌ای که در آن ساکنان این روستاها به‌جای جنگیدن برای بقا، برای توسعه و پیشرفت تلاش کنند. مراسم که تمام می‌شود، مرکز درمانی شیخ چراغ دلگان فعالیت خود را رسما آغاز می‌کند و پزشک و مامای روستا، پذیرای مراجعه‌کنندگان خود می‌شوند.

چابهار چشم‌انتظار بهار پس از جنگ؛ روزهای روشن برمی‌گردند

به چابهار برمی‌گردیم؛ در تمام شهر اثر جنگ برجسته است: از خلوتی کافه‌های شهر تا گلایه راننده‌های تاکسی و فضای رخوت حاکم بر بازار این شهر. کافه‌ای چسبیده به دریا که «آزادی» نام دارد، همچنان زخم جنگ و نشان روز ریزش برج مراقبت دریایی را بر پیشانی دارد. مرد جوان صاحب کافه با چشمانی خسته می‌گوید: «جنگ فقط کافه‌ام را خراب نکرده، بلکه درآمد، آینده و حتی روح و روانم را نابود کرده است». در هتل، کارکنان رستوران می‌گویند بعد از چند ماه، تازه امروز صبحانه درست کرده‌اند، چون مدت‌هاست نه‌فقط این هتل، که همه هتل‌های این شهر، خالی از مسافر هستند. در شهر هم از کاسب تا دست‌فروش و حتی راننده، با حسرت از تابستان‌های گذشته و روزهای پررونق چابهار می‌گویند و تأکید می‌کنند نه‌تنها درآمدشان، که حتی روحیه و روان‌شان آسیب دیده است. با همه این شرایط، دست‌کم برای ساکنان روستای شیخ چراغ دلگان و مناطق اطراف، چراغی روشن شده است. از امروز دیگر مرکز درمانی در روستای خود دارند؛ جایی که می‌توانند بدون طی‌کردن جاده‌های طولانی و خطرناک، به پزشک و ماما دسترسی داشته باشند. با هرکسی در این مناطق که صحبت می‌کنید، از ضرورت وجود چنین مرکزی می‌گوید و امیدوار است در روزهای آینده، برای سونوگرافی و دیگر کارهای ضروری پزشکی، مجبور به ساعت‌ها سفر در جاده‌های پرخطر بلوچستان نباشد. در چابهار و روستاهای اطراف، همه از آثار ویرانگر جنگ می‌گویند اما در کنار تمام نگرانی‌ها، فراموش نمی‌کنند از امید هم بگویند. از نوید روزهای بهتر آینده‌ای که در آن نه‌تنها صدای موشک و لرزش ناشی از جنگ و دود آن می‌خوابد، که بهار به چابهار ایران برمی‌گردد؛ بهاری که این بار برای دختربچه‌ای به نام «بهاره» و همه کودکان این سرزمین، معنای تولد و زندگی را به همراه داشته باشد.

جدول ۵۴۳۵ طراح: بیژن کورانی

افقی:
۱- شهری در استان مازندران- باهوش- نیم‌تنه نظامی ۲- افراط- تخته هالتر- باد ملایم ۳- از اماکن گردشگری تهران بازمانده از دوره قاجار که با نام نگارخانه برگ نیز شناخته می‌شود ۴- رستگار- ذخیره- خطاب محترمانه مردانه ۵- نیمی از دنیا- سمت چپ- جابه‌جاکننده- قومی ایرانی ۶- پیامبر مدفون در شوش- ساقه خوراکی ۷- گیاهی علفی و خودرو با مصرف دارویی- یاقوت- عزیز مادربزرگ و پدربزرگ ۸- آینده- مذهب بومی ژاپن- اشتباه لفظی یا رفتاری ۹- شک و تردید- فیلمی کلاسیک به کارگردانی چارلز ویدور و بازی ریتا هیورث- میت را با آن شست‌وشو می‌دهند ۱۰- نوعی بیماری وبا- پرندگانی که اصحاب فیل را دچار عذاب کردند ۱۱- همسر مرد- بخشنده- استخوان دیواره قفسه سینه- حرف جر عربی ۱۲- پیشوندی برای شمارش اتم‌ها در شیمی- میزان اهمیت- از نوشت‌افزار ۱۳- از چهره‌های ماندگار هنر دوبله در ایران ۱۴- کافران- وعده- نیم‌تنه ضخیم قدیمی ۱۵- احسان- از نقوش زیبا در هنر نگارگری- شاعر معیری

عمودی:
۱- خطایی در ورزش تنیس- ازخودگذشته- وسیله‌ای برای نگهداری اوراق و اسناد اداری ۲- یوسف گمگشته باز آید به ... غم مخور- آوردن- برگزیده ۳- انسان- واحد اندازه‌گیری شدت صوت- خش تصویر ویدئویی ۴- این گیاه دارویی ضدکلسترول و تقویت‌کننده بینایی است- فاقد تازگی ۵- مرداب- از مذاهب اسلام- بوزینه آدم‌نما ۶- نقاشی روی شیشه- دندان‌های اولیه- نام‌واره ۷- فرشته جان‌ستان- نوعی پارچه با الیاف طبیعی ۸- آسان- از الفبای زبان یونانی- توده ریگ ۹- حالا- رمانی از مارکوس زوساک، نویسنده استرالیایی ۱۰- جایز- رودی در مرکز ایتالیا- سوره هشتادوچهارم قرآن ۱۱- بی‌بندوبار- بزرگ‌ترین غده بدن- ابزار درودگری ۱۲- جنگلی زیبا در اردبیل- اثر داستانی محمدرضا بایرامی با موضوع جنگ تحمیلی ۱۳- بدنام- پشه مالاریا- مبتلا ۱۴- رود پرآب مصر- کشوری درون خاک آفریقای جنوبی- افراد تحت سرپرستی رئیس خانواده ۱۵- رساله مشهور افلاطون- شهرستانی در استان سیستان‌وبلوچستان- استفراغ

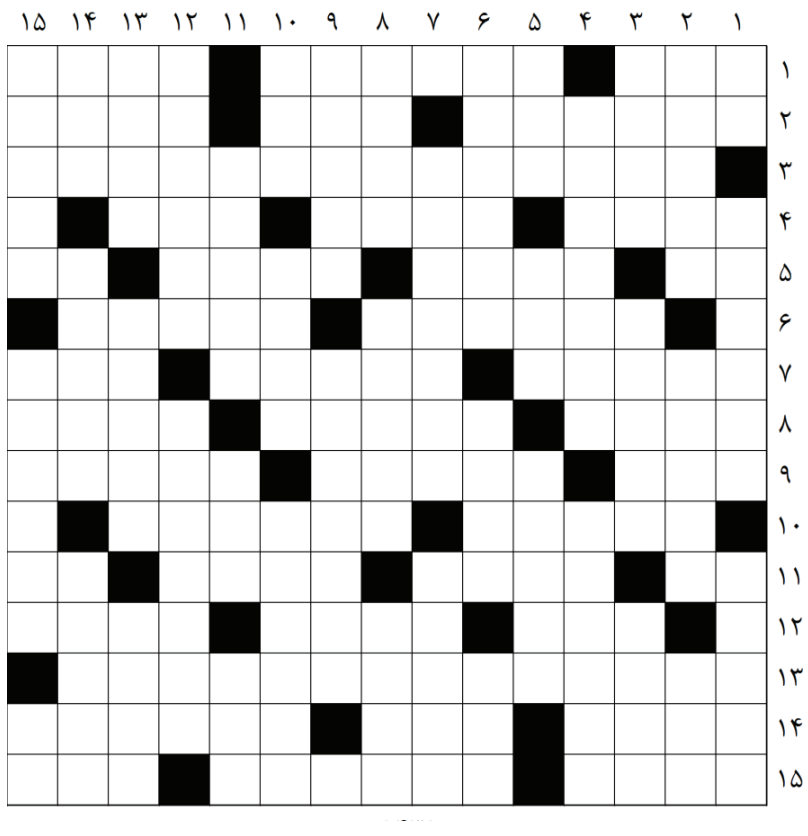

حل سودوکو ۴۴۳۰

۸	۶	۳	۴	۲	۵	۷	۱	۹
۴	۲	۱	۷	۹	۸	۶	۳	۵
۵	۷	۹	۱	۶	۳	۲	۸	۴
۱	۳	۶	۵	۸	۲	۹	۴	۷
۹	۵	۷	۳	۴	۱	۸	۶	۲
۲	۴	۸	۶	۷	۹	۳	۵	۱
۷	۸	۵	۲	۳	۴	۱	۹	۶
۶	۹	۴	۸	۱	۷	۵	۲	۳
۳	۱	۲	۹	۵	۶	۴	۷	۸

۳	۸	۷	۵	۹	۱	۶	۴	۲
۹	۱	۶	۴	۲	۷	۵	۳	۸
۲	۴	۵	۸	۶	۳	۱	۹	۷
۱	۷	۹	۶	۴	۵	۸	۲	۳
۵	۶	۸	۷	۳	۲	۴	۱	۹
۴	۲	۳	۹	۱	۸	۷	۶	۵
۷	۳	۲	۱	۵	۴	۹	۸	۶
۸	۹	۴	۳	۷	۶	۲	۵	۱
۶	۵	۱	۲	۸	۹	۳	۷	۴

حل جدول ۵۴۳۴

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	پ	ر	چ	ی	ن	■	ر	م	ا	د	■	س	ل	ا	خ
۲	ا	ی	■	ب	و	س	ت	و	ن	س	ل	ت	ی	ک	س
۳	د	ا	ی	و	■	و	و	ش	و	■	ی	و	ف	و	■
۴	ر	■	ک	س	ت	ر	ش	■	ا	ک	ن	ه	■	ر	ز
۵	ه	پ	ا	ت	ی	ت	■	م	ر	ت	د	■	ا	د	م
۶	و	و	ن	■	م	م	ا	س	■	ب	ا	ر	ز	■	ر
۷	ا	ر	■	ب	چ	ه	د	ا	ر	ی	■	م	ل	ک	ه
۸	■	ش	ا	خ	ه	■	ر	ف	و	■	ز	ا	ی	و	■
۹	ن	ه	ر	و	■	ا	س	ر	ا	ف	ی	ل	■	ک	ش
۱۰	گ	■	ت	ر	ن	م	■	ا	ج	ر	ا	■	ا	ت	ا
۱۱	ر	خ	ش	■	ا	ی	م	ن	■	ی	د	ا	ل	ل	ه
۱۲	ش	ل	■	ت	ر	ب	ت	■	غ	ش	ی	ر	ه	■	ج
۱۳	■	ا	م	ا	س	■	ش	و	ر	ا	■	ت	ی	ر	ه
۱۴	د	ی	و	ه	ا	ی	خ	و	ش	پ	و	ش	■	ا	ا
۱۵	م	ق	ت	ل	■	ا	ص	ل	ه	■	ب	ا	ل	ک	ن

سودوکو سخت ۴۴۳۱

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو
۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

					۵		۲	۱
							۴	۹
۹	۳	۱				۵		
	۶	۵		۳				
۴			۵	۱	۷			۲
				۴		۷	۵	
		۷				۹	۸	۳
۵	۹							
۳	۲		۷					

سودوکو ساده ۴۴۳۱

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو
سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

	۷				۴	۵	۶	
۳			۶			۴		
			۹	۵	۱	۳		
		۳	۲	۴				
۹				۱				۴
				۹	۳	۷		
		۹	۱	۶	۸			
		۴			۹			۵
	۳	۸	۴				۹	